

ارائه مدلی برای جلوگیری از فرار مالیاتی و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام مالیاتی کشور

زهرا غلامی‌ماملو؛ امیربابک مرجانی^۱؛ مرتضی یاراحمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

چکیده

فرار مالیاتی یک دغدغه مهم به ویژه در کشورهای با نظام مالیاتی پیشرفته و اصولی به شمار می‌رود چرا که در این کشورها مبنای بودجه بندی دولت درآمدهای مالیاتی است و لذا آنها به طور جدی با فرار مالیاتی مقابله می‌کنند. در کشور ما نیز بیش از گذشته فرار مالیاتی به یک دغدغه تبدیل شده و توجه به موارد آن و تلاش در جهت کاهش آن یک موضوع مهم می‌باشد. هدف تحقیق حاضر ارائه مدلی برای جلوگیری از فرار مالیاتی و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام مالیاتی کشور می‌باشد برای این منظور ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت و مشخص شد علیرغم انجام تحقیقات مختلف در این حوزه همچنان این حوزه نیازمند بهبود بیشتری است چرا که مدلهای ارائه شده اغلب به سطح‌بندی و رتبه بندی عوامل نپرداخته اند و می‌توان مدل جامع تری را در این خصوص ارائه نمود. بنابراین با استفاده از مصاحبه با خبرگان ابتدا مدلی با کمک روش تحلیل محتوا استخراج گردید که شامل ۶ مولفه و ۱۷ شاخص بود سپس شاخص‌های و مولفه‌ها با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری سطح‌بندی شده و روابط بین آنها تعیین گردید ضمن اینکه اعتبار سنجی مدل نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد صورت گرفت که نشانگر برازش و اعتبار مدل در این سطح بود. ضمن اینکه شش مولفه نهایی شامل مولفه‌های فرهنگی، حکمرانی، قانونی، اقتصادی، مدیریتی، منابع انسانی می‌باشد که مولفه حکمرانی در بالاترین سطح و مولفه‌های اقتصادی و قانونی در سطح دوم و مولفه‌های مدیریتی منابع انسانی و فرهنگی در سطح پائین بر اساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری قرار گرفتند.

کلید واژه‌ها: فرار مالیاتی، نظام مالیاتی، سیاست‌گذاری نظام مالیاتی، مدل

مقدمه

فرار مالیاتی^۴ یک معضل مهم در جوامع امروزی به شمار می‌رود. این در حالیست که منبع اصلی درآمدهای دولتها به ویژه اقتصادهایی که وابستگی چندانی به منابع زیر زمینی ندارند. اخذ مالیات از شرکتهای و شهروندان می‌باشد. به عبارت دیگر دولتها بر اساس منابع مالیاتی خود اقدام به بودجه ریزی کرده و در صورتی که نتوانند مالیات را به شکل مناسب و عادلانه جمع‌آوری نمایند با مشکلاتی از جمله کسری بودجه مواجه می‌شوند. کسری بودجه ناشی از عدم تطابق هزینه‌ها و درآمدها و مازاد هزینه‌ها نسبت به درآمدهای دولت می‌باشد. نتیجه کسری بودجه آثار تورمی می‌باشد که بر کل اقتصاد تحمیل می‌شود. بنابراین فرار مالیاتی به عنوان معضل مهم می‌تواند به شکل مستقیم و غیر مستقیم بر کل اقتصاد آسیب وارد کرده و همواره از اینروست که دولتها تلاش دارند با این پدیده مقابله نمایند و مانع از شکل‌گیری و تبدیل آن به یک فرهنگ غلط شوند (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۲۴).

^۱ گروه مدیریت دولتی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

^۲ گروه مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ گروه مدیریت، واحد پرد، دانشگاه آزاد اسلامی، پرد، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: Bmarjani@iauctb.ac.ir

^۴Tax avoidance

مالیات‌ها^۱ بخش عمده ای از درآمدهای هر دولتی را تشکیل داده و یک منبع پایدار درآمدی را فراهم می‌کنند. در سال های اخیر تمرکز اصلی برنامه اصلاح نظام مالیاتی، تقریباً در همه کشورهای جهان، به مالیات بر ارزش افزوده معطوف شده است. از طرفی یک مشکل بزرگ در اجرای موثر مالیات بر ارزش افزوده، که یک پایه مالیاتی نوپا در کشورهاست، پدیده فرار مالیاتی است (هاشمی، اعتمادی و رضازاده، ۱۴۰۱: ۷). فرار مالیاتی از جمله مشکلاتی است که از قوانین و مقررات مالیاتی نشأت می‌گیرد این امر در میان مؤدیان مالیات بر درآمد شرکتها متداول‌تر است، چرا که بخش بزرگی از درآمدهای مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد (خلیل و سیدانی ۲۰۲۰: ۴۰). فرار مالیاتی چالشی اساسی برای دولت‌ها در سراسر جهان ایجاد می‌کند و درآمد عمومی را تضعیف می‌کند و اعتماد به سیستم مالیاتی را از بین می‌برد (تاراو، ۲۰۲۳: ۲) و سبب ناکارآمدی و تخصیص ید مخارج دولت برای بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی و... می‌شود (دل آنو، ۲۰۲۳: ۳۶).

براساس امار ارائه شده توسط سازمان امور مالیاتی کشور در سال ۱۴۰۱ ۱۵۰ الی ۱۶۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیات حادث شده است در حالیکه این رقم در سال ۱۴۰۰ ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بوده و مشاهده می‌شود که بیش از ۵۰ درصد بر رقم فرار مالیاتی سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش مشاهده می‌شود رقم فرار مالیات در سال ۱۴۰۲ ۱۳۸ هزار میلیارد تومان بوده است که صرفاً ۱۴ هزار میلیارد تومان از این رقم توسط سازمان امور مالیاتی کشف و وصول شده است البته همانگونه که مشاهده می‌شود فرار مالیاتی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ بهبود قابل توجهی داشته است که یک دلیل آن می‌تواند بهبود در سیستم شناسایی و پیشگیری باشد. اما در مجموع باید اشاره شود که وضعیت وصول مالیات در کشور در شرایط مطلوبی نبوده و همین رقم ۱۳۸ هزار میلیارد تومان نیز رقم قابل توجهی می‌باشد که می‌بایست به سمت کاهش آن حرکت انجام شود (هاشمی، اعتمادی و رضازاده، ۱۴۰۱: ۷).

مسئله اصلی تحقیق حاضر فرار مالیاتی در کشور می‌باشد. در واقع فرار مالیاتی یک معضل مهم می‌باشد که منجر به ناکارآمدی سیستم مالیاتی و بروز بی عدالتی در جامعه می‌شود. این مسئله ای است که در جامعه به شکلی مشهود دیده می‌شود. نهادهای بسیاری چه خصوصی و چه دولتی قادر به فرار مالیاتی هستند در حالیکه چنین رخدادی در سراسر جهان و حتی در پیشرفته ترین کشورها جرم انگاری شده و با آن به شکل جدی مقابله می‌شود اما همچنان مشاهده می‌شود که سازوکارهای موجود در کشور ما با سیستمهای روز دنیا فاصله داشته و فرار مالیاتی معضلی جدی است که چاره ی مناسبی برای آن اندیشیده نشده است.

مدلی که بتواند مولفه های مقابله با فرار مالیاتی را معرفی نموده و منجر به ارائه راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از این امر شود، هدف اصلی تحقیق حاضر می‌باشد. تحقیق حاضر تلاش دارد با ارائه چنین مدلی شکافهای عملی و تحقیقاتی موجود در این حوزه را مرتفع نماید. تحقیق حاضر با استفاده از یک رویکرد کیفی - کمی به دنبال ارائه مدل جلوگیری از فرار مالیاتی است و در پایان به دنبال پاسخ به این پرسش است که مدل جلوگیری از فرار مالیاتی در ایران چگونه است؟

ساختار مقاله حاضر به این صورت که در ادامه مرور ادبیات ارائه شده و پس از آن روش شناسی تشریح می‌شود پس از معرفی روش به تجزیه و تحلیل یافته ها پرداخته شده و در انتها نتیجه گیری ارائه می‌شود.

چهارچوب نظری پژوهش

در این بخش مروری بر مهمترین تحقیقات انجام شده در حوزه فرار مالیاتی به تفکیک تحقیقات داخل و خارج کشور صورت می‌گیرد تحقیقات انجام شده متمرکز بر ۱۰ سال اخیر می‌باشد. ترابی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «اولویت بندی راهکارهای افزایش درآمد مالیاتی با استفاده از تکنیک دیماتل فازی» انجام دادند. شیخ حسنی، فقیهی و دانش فرد (۱۳۹۷)، مطالعه ای با عنوان «آسیب‌شناسی خطمشی گذاری مالیاتی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه نظام مالیات بر ارزش افزوده» انجام دادند.

ثنایی پور (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در کسب و کارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه‌ای آمیخته» انجام دادند. حسنون، یزدانی زازرانی و گودرزی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران» انجام دادند.

هاشمی، اعتمادی و رضازاده (۱۴۰۱)، مطالعه ای با عنوان «مدلسازی پدیده فرار مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از نظریه بازی‌ها» انجام دادند. اسدیور، امیرکبری و ربیعی مدرجین (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «طراحی و تبیین مدل مبتنی بر سیاست‌گذاری سیستمی (با تأکید بر مدل آلموند) در سازمان امور مالیاتی کشور» انجام دادند. حیدرزادی، خداپناه و منتظر حجت (۱۴۰۱)، مطالعه ای با عنوان «بررسی عوامل تعیین کننده فرار مالیاتی در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزین» انجام دادند. کم گو و سمیعی (۱۴۰۱)، مطالعه ای با عنوان «مروری بر تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی» انجام دادند.

¹ Taxes

² Khalil & Sidani

³ Turaev

⁴ Dell'Anno

محمدی، صامتی و امیری (۱۴۰۲)، مطالعه ای با عنوان «شبیه‌سازی راهکارهای بهبود پرداخت‌های مالیاتی و کاهش رفتار فرار مالیاتی در چارچوب مدل‌های عامل‌محور» انجام دادند. صیام و همکاران (۱۴۰۲)، مطالعه ای با عنوان «بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت مالیات‌ده به استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی» انجام دادند. قاسمی و محتشمی (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان «ارائه یک مدلی پیش‌بینی فرار مالیاتی مشاغل مبتنی بر تکنیک‌های داده کاوی» انجام دادند. اسدپور، امیرکبیری و ربیعی مندرجین (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان «ارائه مدلی سیاست‌گذاری عمومی مطلوب در سازمان امور مالیاتی کشور» انجام دادند. ایزدی لای بیدی (۱۴۰۳)، پژوهشی با عنوان «بررسی روش‌های فرار و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و قوانین و مقررات مربوط به آن» انجام داد.

در ادامه تحقیقات خارجی در حوزه مورد مطالعه به ترتیب سال معرفی می‌شوند. اونوکا و نانکو (۲۰۱۶)، مطالعه ای با عنوان «تأثیر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی بر رشد اقتصادی نیجریه» انجام دادند. ساکسونو و زاکروا (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان «تلاش جهانی مقامات مالیاتی و چالش فرار مالیاتی» انجام دادند. هدف مقاله ارسالی شناسایی روندهای موجود در حوزه فرار مالیاتی و تقلب مالیاتی و همچنین تمرکز بر راهبردها و اشکال مبارزه با فرار مالیاتی است. دولاریف، ساترینو و ساراساتی (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «آیا رویکرد بازدارندگی در مبارزه با فرار مالیاتی موثر است؟ یک متاآنالیز» انجام دادند.

آدکویا، اویجامبی و لوما (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «حسابداری قانونی، تقلب مالیاتی و فرار مالیاتی در نیجریه - بررسی ادبیات و موضوع برای بررسی سیاست» انجام دادند. ون بریدود (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «اقدامات متقابل برای تقلب مالیاتی، فرار و اجتناب: یک بررسی انتقادی» انجام داد. بورتون (۲۰۲۱)، پژوهش با عنوان «تحلیل انتقادی و مقایسه ای پیشگیری از فرار مالیاتی از طریق اعمال قانون و سیاست‌های اجرایی در انگلستان و ایالات متحده آمریکا» انجام دادند. آلتاداتی و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه ای با عنوان «فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات» انجام دادند. تاراو (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان «راه‌های پیشگیری از فرار مالیاتی عمدی» انجام داد. آقایی و همکاران (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان «ارائه مدلی پیشگیری از فرار مالیاتی از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور» انجام دادند.

حسین و همکاران (۲۰۲۴)، پژوهشی با عنوان «اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی: بینش‌های فعلی و جهت‌گیری‌های تحقیقاتی آینده از یک اقتصاد در حال ظهور» انجام دادند. خالتار (۲۰۲۴)، مطالعه ای با عنوان «فرار مالیاتی و کیفیت حکمرانی: نقش تعدیل‌کننده اتخاذ دولت باز» انجام دادند. کانگارتنام و همکاران (۲۰۲۴)، مطالعه ای با عنوان «فرار مالیاتی مؤسسات و شرکت‌ها: مروری بر ادبیات و رویکرد روش‌شناختی» انجام دادند. بر اساس مرور ادبیات انجام شده می‌توان مشاهده کرد ارائه مدل جلوگیری از فرار مالیاتی در ادبیات تحقیق به شکل جدی ارائه نشده و در این حوزه شکاف تحقیقاتی مشاهده می‌شود که تحقیق حاضر تلاش دارد در جهت رفع این خلا مطالعاتی تلاش نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (آمیخته) می‌باشد؛ روش‌شناسی ترکیبی یا پژوهش با روش‌های ترکیبی، پژوهشی است که رهیافت‌های کمی و کیفی را در قالب روش‌شناسی یک مطالعه واحد و یا یک مطالعه چندمرحله‌ای با هم ترکیب می‌کند.

در این پژوهش ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌شوند، سپس داده‌های کمی گردآوری و سپس تحلیل می‌گردند. در پایان، هر دو تحلیل کیفی و کمی یکجا مورد تفسیر قرار می‌گیرند. بنابراین این پژوهش از نوع اکتشافی است و دو مرحله دارد. در مرحله اول از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا و در مرحله دوم از روش پیمایشی استفاده می‌شود و کلیه نتایج تفسیر یا تحلیل می‌شوند. بنابراین پژوهش حاضر به ترتیب در دو بخش کیفی و کمی انجام می‌شود. دلیل انتخاب روش آمیخته در این پژوهش، ابتدا شناسایی مولفه‌های مدل و تهیه مدل ساختاری و سپس اعتباریابی آن به منظور تعیین قابلیت تعمیم‌پذیری و استفاده در مقیاس گسترده تر می‌باشد.

بخش کیفی این پژوهش با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و روش تحلیل محتوا انجام می‌شود. همچنین در بخش کمی پژوهش از روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و مدلسازی معادلات ساختاری استفاده خواهد شد.

¹ Onyeka, V. N., & Nwankwo

² Saxunova & Szarkova

³ Dularif, Sutrisno, & Saraswati

⁴ Adekoya, Oyebamiji, & Lawal

⁵ van Brederode

⁶ Bourton

⁷ Alstadsæter

⁸ Turaev

⁹ Khaltar

¹ Kanagaretnam

¹ Interpretive structural modeling

جامعه آماری در بخش کیفی صاحب‌نظران حوزه خط مشی گذاری مالیاتی شامل اعضای هیات علمی در رشته های مدیریت مالی و اقتصاد با حداقل ۱۰ سال سابقه کار هیات علمی و ۱۰ سال سابقه کار اجرایی در حوزه های مالی و مدیران عالی رتبه سازمان مالیاتی با مدرک تحصیلی دکترا و مدیران عالی رتبه سازمان مالیاتی با مدرک تحصیلی دکترا و ۱۵ سال سابقه کار در حوزه مالیاتی می باشند.

جامعه آماری در بخش کمی شامل کارشناسان ارشد نظام مالیاتی می باشد که حداقل مدرک فوق لیسانس رشته های مالی و مدیریت با حداقل ده سال سابقه کاری در حوزه مالیات می باشند. با توجه به اینکه بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی از ستاد سازمان امور مالیاتی، تعداد کارکنان ستادی این سازمان برابر با ۳۲۰ نفر می باشد که جامعه نمونه مطابق با فرمول کوکران برابر با ۱۷۵ نفر خواهد بود، با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب می شود. به منظور جمع آوری اطلاعات در تحقیق حاضر ابتدا با روش کتابخانه ای، کتاب، مقالات علمی، پروژه های تحقیقاتی و رساله های انجام شده، ادبیات مرتبط با متغیرهای موضوع تحقیق جمع آوری می شود.

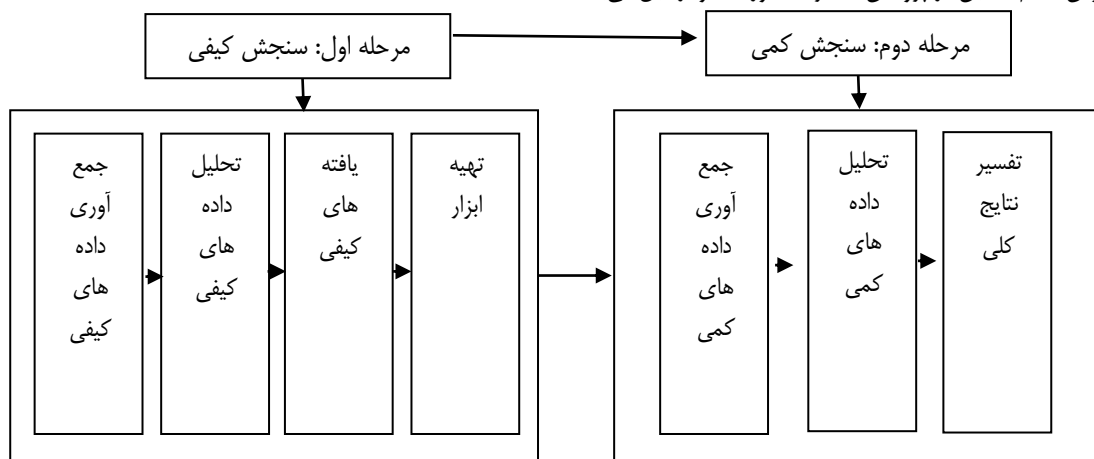
سپس داده های مورد نیاز از طریق ابزارهای کیفی و کمی شامل مصاحبه ها و پرسشنامه ها به دست می آید. روش مورد نظر برای تحلیل داده ها در این بخش، تحلیل محتوا می باشد.

ابزار جمع آوری داده ها در روش کیفی شامل مصاحبه های نیمه ساختاریافته می باشد که مطابق با اهداف و سوالات پژوهش تهیه و تنظیم می شود و در اختیار جامعه ی صاحب‌نظران قرار می گیرد، روایی ابزار با استفاده از روشهایی مانند تعیین نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI) تعیین می شود.

در مرحله مدلسازی ساختاری تفسیری، ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه ISM استفاده می شود. این پرسشنامه یک ماتریس استاندارد است و با پرسشنامه های سنجش نگرش با طیف لیکرت تفاوت دارد.

همچنین ابزار گردآوری داده ها برای ارزیابی و اعتباریابی مدل که با روش مدلسازی معادلات ساختاری^۲ (SEM) انجام می شود، شامل پرسشنامه های محقق ساخته در طیف لیکرت می باشد که در اختیار نمونه های آماری قرار می گیرد.

روش انجام تحقیق در پژوهش حاضر به صورت نمودار ذیل می باشد:



شکل ۱. مراحل انجام تحقیق

متغیرها پژوهش حاضر، شامل شاخص ها و مولفه هایی است که با روش تحلیل محتوا و مدلسازی معادلات تفسیری شناسایی می شود و مدل استخراج شده با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری^۳ (SEM) اعتباریابی می شود.

سوالات مطرح شده در بخش مصاحبه به شرح ذیل است

۱. شاخصه های مدل جلوگیری از فرار مالیاتی شامل چه مواردی می باشد؟
۲. مولفه های مدل جلوگیری از فرار مالیاتی شامل چه مواردی می باشد؟
۳. ابعاد مدل جلوگیری از فرار مالیاتی شامل چه مواردی می باشد؟
۴. آسیبهای سیاست گذاری نظام مالیاتی شامل چه مواردی می باشد؟

به منظور سنجش روایی بخش کیفی از شاخص هولستی که یکی از شاخص های مهم جهت سنجش روایی تحلیل های کیفی می باشد استفاده می گردد اغلب شاخصه ها دارای روایی بالاتر از ۰٫۷، ۰٫۸ بر اساس شاخص هولستی می باشند و لذا از این نظر می توان گفت مضامین پیش سازمانده که از منظر خبرگان تحقیق در بخش کیفی استخراج شده است دارای اعتبار لازم می باشد.

¹ Content Validity Ratio

² Structural Equation Modeling

³ Structural Equation Modeling

به منظور سنجش پایایی بخش کیفی از ضریب کاپای کوهن استفاده می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از ضریب کاپای کوهن می‌توان گفت در خصوص تمامی مضامین پیش سازمان‌دهنده در بین خبرگان توافق نظر وجود داشته و از این جهت می‌توان پایایی بخش کیفی را به دلیل ضرایب بالاتر از ۰,۷ تأیید نمود.

به منظور سنجش روایی پرسشنامه و در واقع روایی کمی از تحلیل بار عاملی استفاده شده است. شاخصه‌ها دارای استاندارد بالاتر از ۰,۷ بوده و این امر نشان می‌دهد اعتبار تمامی آنها از نظر کمی مورد تأیید قرار گرفته و نتایج حاصل از تحلیل بار عاملی موید اعتبار گویه‌های استخراجی است. بر اساس آزمون آلفای کرونباخ اماره این آزمون برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰,۷ می‌باشد لذا می‌توان پایایی بخش کمی را نیز مورد تأیید قرار داد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی توسط کدگذاری و مقوله‌بندی و مصاحبه‌ها و به روش تحلیل محتوا انجام می‌گیرد. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون، اسناد و مدارک و در واقع هر نوع سند ثبت و مطالب ضبط شده‌ای را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیلی منظم تر، دقیق تر و از همه مهم تر با درجات بالاتری از پایایی قرار داد.

بدین منظور در مطالعه حاضر، متن هر مصاحبه چندین بار مطالعه می‌گردد. کدگذاری و طبقه‌بندی در کل جریان تحقیق ادامه خواهد داشت. داده‌ها تغییر شکل داده و محدودتر می‌شوند تا مقوله‌ها ساخته شوند. از طریق ایجاد مقوله‌ها، داده‌ها با کدگذاری باز و متمرکز کدگذاری می‌گردند. از دو شیوه کدگذاری از زبان افراد مصاحبه شده و کدهای تلویحی که توسط محقق و بر اساس مفاهیم به دست آمده از داده‌ها ساخته می‌شوند، استفاده خواهد شد.

بررسی و سؤالاتی با کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد می‌شوند و برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، داده‌ها به دقت درباره‌ی پدیده‌ها که داده‌ها حاکی از آن خواهد بود مطرح می‌گردد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی از روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و مدلسازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود.

در مرحله مدلسازی ساختاری تفسیری، تجزیه و تحلیل داده‌ها با تهیه ماتریس استاندارد و در ۵ مرحله انجام می‌شود:

(۱) تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری؛ منطق مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) منطبق بر روش‌های ناپارامتریک و بر مبنای مد در فراوانی‌ها عمل می‌کند.

(۲) ماتریس دستیابی؛ ماتریس دریافتی Reachability matrix از تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک بدست می‌آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خود تعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می‌شود. ماتریس بدست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد.

(۳) ماتریس انتقال پذیری: بعد از آنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. در یک ماتریس دریافتی برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود در این صورت باید A منجر به C شود. یعنی اگر براساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد، باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد.

(۴) سطح‌بندی شاخص‌ها: برای تعیین روابط و سطح‌بندی معیارها در مدل ساختاری تفسیری ISM مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج می‌شود.

(۵) ترسیم نمودار قدرت نفوذ-وابستگی: در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف، نمایش داده می‌شود. قدرت نفوذ شامل تعداد عناصری که عنصر آم بر آنها تأثیر می‌گذارد. میزان وابستگی، شامل تعداد عناصری است که بر عنصر آم تأثیر می‌گذارند.

در مرحله بعدی، برای ارزیابی و اعتباریابی مدل از روش مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده خواهد شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و نرم افزار Amos انجام خواهد شد. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره‌ی روابط بین متغیرهای مشاهده شده^۲ و متغیرهای مکنون^۴ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از ترکیب تکنیک‌های تجزیه و تحلیل کمی و کیفی به شناسایی و اعتبار سنجی مدل جلوگیری از فرار مالیاتی و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام مالیاتی کشور با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوا مدلسازی ساختاری تفسیری و مدل معادلات ساختاری پرداخته می‌شود. ابتدا با استفاده از تحلیل محتوا عوامل تشکیل دهنده این مدل استخراج شده و سپس با استفاده از مدلسازی ساختاری تفسیری روابط بین عوامل و در نهایت سطحی‌بندی آنها صورت گرفته و در انتها با استفاده از مدل معادلات ساختاری به اعتبار سنجی مدل به صورت نهایی پرداخته می‌شود. نتایج در ادامه ارائه می‌شود.

¹ Structural Self-Interaction Matrix

² Reachability matrix

³ Observed

⁴ Latent

در اولین مرحله از تحقیق به تحلیل محتوا پرداخته می‌شود. ابتدا مصاحبه‌ها با خبرگان ارائه شده و بر اساس مصاحبه‌های انجام شده عوامل حاصل می‌گردد عوامل شامل کدهای اولیه می‌باشد که مبانی تشکیل شاخصه‌ها و مولفه‌ها در مراحل بعدی می‌باشد. بنابراین در این مرحله صرفاً استخراج کد از مصاحبه‌ها صورت می‌گیرد.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده ۲۹ کد استخراج می‌شود که در ادامه کدها به تفکیک مصاحبه‌شوندگان ارائه شده و پس از آن به قرار گیری کدها در ذیل شاخصه‌ها و در واقع تشکیل شاخصه‌ها اقدام می‌شود

جدول ۱. معرفی مصاحبه‌شوندگان بر اساس کدها

کدها	مصاحبه‌شوندگان
بازنگری در مجازاتها و تطابق آن با شرایط جهانی	A1, A5
عادلان‌تر ساختن نرخهای اخذ مالیات	A12, A4, A6
آموزش کافی نیروی انسانی در خصوص مالیات و نظام حقوقی آن	A15, A3
تامین مالی کافی کارشناسان مالیاتی	A7, A14
افزایش تعداد کارشناسان مالیاتی	A2,
فاصله گرفتن از سیستم سنتی و ایجاد یک سیستم مدرن مالیاتی در کشور	A8, A10, A13
اعطای اختیارات بیشتر به سازمان امور مالیاتی	A5, A9
افزایش انگیزه دولت در اخذ مالیات	A3, A11, A15
تلاش بیشتر دولت در جهت بهبود عملکرد اقتصادی	A6
کاهش تبعیض بین مناطق مختلف	A5
اعتماد سازی بین مردم در خصوص سیستم مالیاتی کشور از طرق رسانه و فرهنگ	A2, A10
راه اندازی یک سیستم جامع برای ردیابی درآمدها	A11
بهبود سطح عمومی درآمدها در اقتصاد کشور	A14
آموزش مودیان مالیاتی در جهت عدم تاثیر پذیری از همتایان خویش	A15, A3
تعدیل و کاهش جرایم مالیاتی	A1, A12
آموزش فرهنگی در جهت رفع بهانه‌های شخصی در پرداخت مالیات	A15, A8
تحریک لازم و کافی مودیان در پرداخت مالیات	A4, A6
کاهش منافع موجود در فرار مالیاتی	A2, A7
افزایش ریسکهای فرار مالیاتی	A11, A13
تدوین دستورالعملهای ساده تر نسبت به وضعیت کنونی	A2
ایجاد شرایطی به منظور تنزل اجتماعی فراریان	A5
فاصله گرفتن از اقتصاد قاچاق و زیرزمینی در جهت اقتصاد شفاف تر	A15, A9
بهبود جریان گردش پول در کشور	A11

کدها	مصاحبه شونده‌گان
بهبود عملکرد حسابرسی به صورت کلی و عمومی	A9
ارائه یک سیستم اطلاعات رسانی کافی و کامل در خصوص امور مالیاتی	A4
فساد زدایی از سیستم مالیاتی	A2, A6
رفع خلاها و پیچیدگی های قانونی	A1, A9
رفع ابهامات حقوقی در نظام مالیاتی	A9, A5
تعدیل و کاهش معافیت‌های مالیاتی	A3, A12
فساد زدایی از حسابرسان	A14

پس از معرفی کدها به تفکیک مصاحبه شونده‌گان به تشکیل شاخصه ها در مرحله دوم تحلیل محتوا پرداخته می‌شود به این صورت که کدها در ذیل مفاهیم بزرگتری تحت عنوان شاخصه قرار گرفته و به این ترتیب شاخصه ها شکل می‌گیرند.

جدول ۲. تشکیل شاخصه ها با استفاده از کدهای استخراجی

ردیف	شاخصه ها	کدها
1	اعطای اختیارات	اعطای اختیارات بیشتر به سازمان امور مالیاتی
2	رویکرد سیستمی	فاصله گرفتن از سیستم سنتی و ایجاد یک سیستم مدرن مالیاتی در کشور
3		راه اندازی یک سیستم جامع برای ردیابی درآمدها
4		ارائه یک سیستم اطلاعات رسانی کافی و کامل در خصوص امور مالیاتی
5	رویکرد تنبیهی	بازنگری در مجازات‌ها و تطابق آن با شرایط جهانی
6		ایجاد شرایطی به منظور تنزل اجتماعی فراریان
7	تحقق عدالت	عادلاننه تر ساختن نرخهای اخذ مالیات
8		کاهش تبعیض بین مناطق مختلف
9	آموزش نیروی انسانی	آموزش کافی نیروی انسانی در خصوص مالیات و نظام حقوقی آن
10		آموزش مودیان مالیاتی در جهت عدم تاثیر پذیری از همتایان خویش
11	تامین مالی نیروها	تامین مالی کافی کارشناسان مالیاتی
12	ایجاد انگیزه در دولت	افزایش انگیزه دولت در اخذ مالیات
13		تلاش بیشتر دولت در جهت بهبود عملکرد اقتصادی
14	اعتماد سازی در مردم	اعتماد سازی بین مردم در خصوص سیستم مالیاتی کشور از طرق رسانه و فرهنگ
15	رویکرد تشویقی	تعدیل و کاهش جرایم مالیاتی
16	فرهنگسازی	آموزش فرهنگی در جهت رفع بهانه های شخصی در پرداخت مالیات
17	رویکرد تحریکی	تحریک لازم و کافی مودیان در پرداخت مالیات
18	مسدود سازی روزه ها	کاهش منافع موجود در فرار مالیاتی

ردیف	شاخصه ها	کدها
19		افزایش ریسکهای فرار مالیاتی
20	کاهش پیچیدگی	تدوین دستورالعملهای ساده تر نسبت به وضعیت کنونی
21	اصلاحات اقتصادی جامع	فاصله گرفتن از اقتصاد قاچاق و زیرزمینی در جهت اقتصاد شفاف تر
22		بهبود سطح عمومی درآمدها در اقتصاد کشور
23		بهبود جریان گردش پول در کشور
24	بهبود عملکرد	بهبود عملکرد حسابرسی به صورت کلی و عمومی
25	تعدیلات قانونی	رفع خلاها و پیچیدگی های قانونی
26		رفع ابهامات حقوقی در نظام مالیاتی
27		تعدیل و کاهش معافیت‌های مالیاتی
28	مقابله با فساد	فساد زدایی از سیستم مالیاتی
29		فساد زدایی از حساب‌رسان

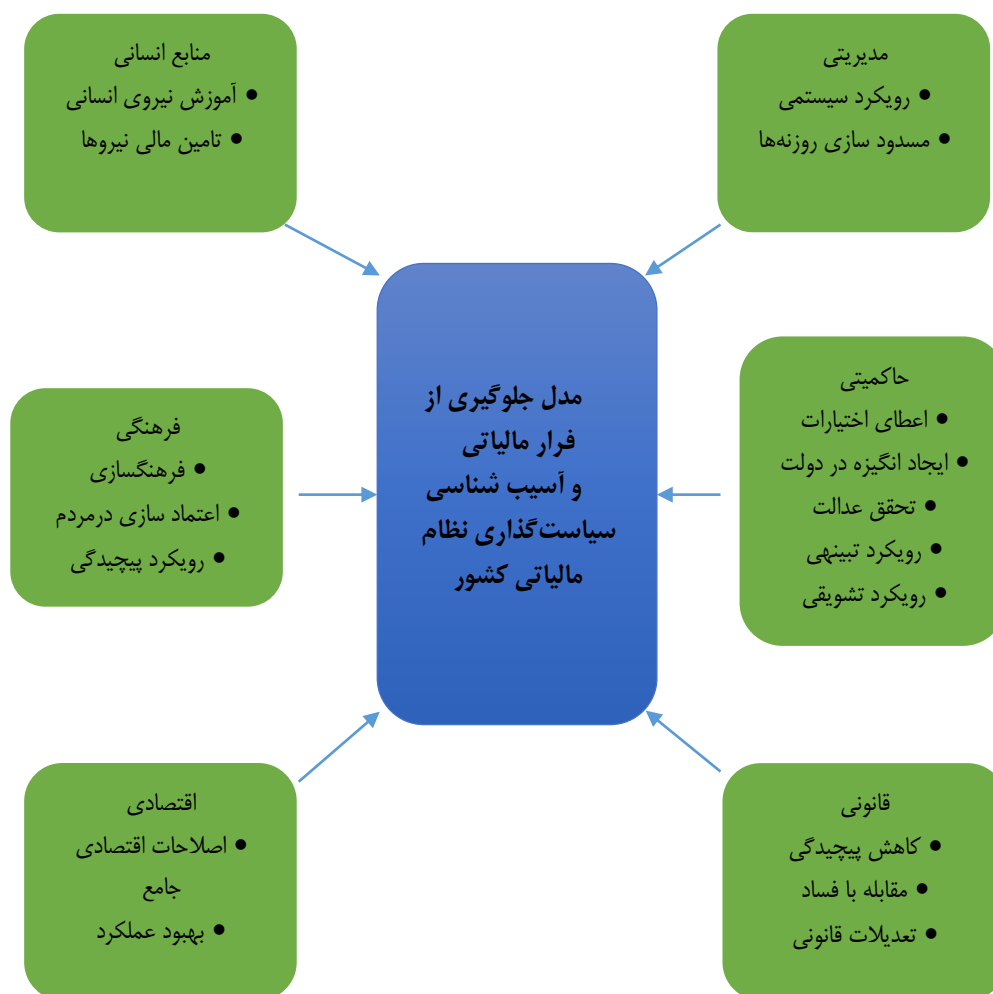
همانگونه که دیده می‌شود از ۲۹ کد اولیه ۱۷ شاخصه استخراج شده است که با توجه به شباهت مفهومی هر یک از کدها این شاخصه ها شکل گرفته اند در ادامه به تشکیل مولفه ها بر اساس شاخصه ها اقدام می‌شود به این صورت که شاخصه ها بر اساس شباهت مفهومی در ذیل مفاهیم بزرگتری تحت عنوان مولفه قرار می‌گیرند و به این ترتیب مولفه های مدل نیز بدست می‌آیند نتیجه درجدول ذیل ارائه شده است

جدول ۳. تشکیل مولفه ها از شاخصه ها

ردیف	مولفه ها	شاخصه ها	فراوانی
1	منابع انسانی	آموزش نیروی انسانی	۲
2		تامین مالی نیروها	
3	مدیریتی	رویکرد سیستمی	۲
4		مسدود سازی روزه ها	
5	حاکمیتی	اعطای اختیارات	۵
6		ایجاد انگیزه در دولت	
7		تحقق عدالت	
8		رویکرد تنبیهی	
9		رویکرد تشویقی	
10	فرهنگی	فرهنگسازی	۳
11		اعتماد سازی در مردم	
12		رویکرد تحریکی	
13	قانونی	کاهش پیچیدگی	۳

ردیف	مولفه‌ها	شاخصه‌ها	فراوانی
14		مقابله با فساد	
15		تعدیلات قانونی	
16	اقتصادی	اصلاحات اقتصادی جامع	۲
17		بهبود عملکرد	

بر اساس تبدیل شاخصه‌ها به مولفه می‌توان مشاهده کرد که ۶ مولفه اساسی و بنیادین برای مدل جلوگیری از فرار مالیاتی شکل می‌گیرد که می‌توان این مدل را به صورت ذیل ترسیم نمود.



شکل ۲. مدل جلوگیری از فرار مالیاتی

بر اساس مدل فوق مشاهده می‌شود که ۶ مولفه همراه با ۱۷ شاخصه در این مدل شکل می‌گیرد به عنوان مثال مولفه اقتصادی دارای دو شاخصه ذیل می‌باشد:

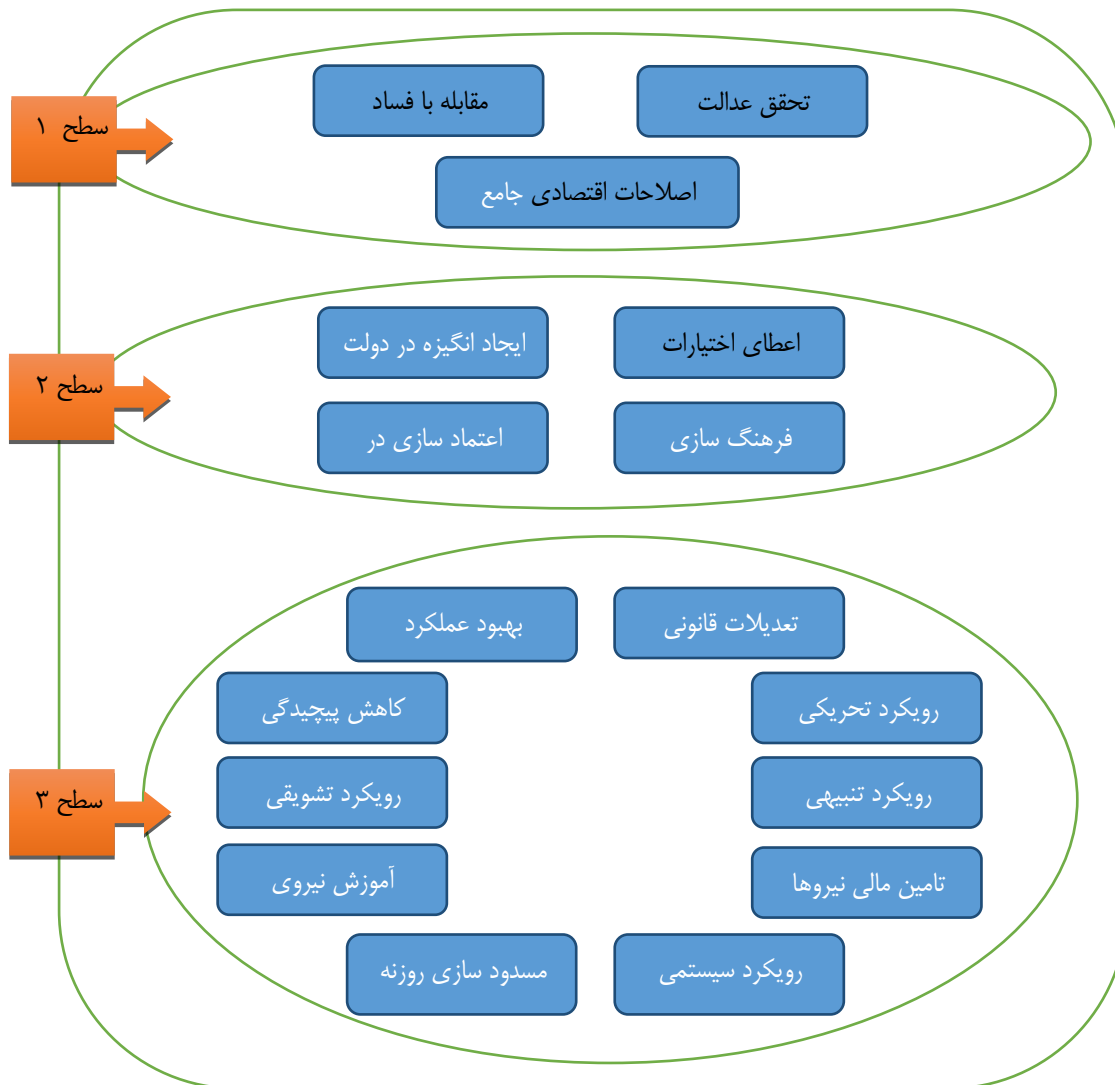
- اصلاحات اقتصادی جامع
- بهبود عملکرد

یا مولفه قانونی شامل سه شاخصه ذیل می‌باشد:

- کاهش پیچیدگی
- مقابله با فساد
- تعدیلات قانونی

سایر مولفه‌ها نیز دارای شاخصه‌هایی در ذیل خود هستند که با نگاه به مدل می‌توان این شاخصه‌ها را مشاهده نمود با توجه به اینکه مدل ارائه شده یک مدل برای تحلیل محتوا می‌باشد و همچنان کار کیفی روی آن انجام نشده لذا در بخشهای بعدی به سطح‌بندی مدل و تعیین مهمترین مولفه‌ها و شاخصه‌ها پرداخته می‌شود و پس از آن اعتبار سنجی مدل صورت می‌گیرد. در اولین مرحله مدلسازی ساختاری تفسیری در خصوص مدل ارائه شده انجام می‌شود

در ادامه مدل ساختاری تفسیری در خصوص جلوگیری از فرار مالیاتی ارائه می‌شود. در این مدل تلاش می‌شود که شاخصه‌ها و مولفه‌ها به سطوح مختلف تقسیم شده و روابط بین آنها تبیین شود. در اولین مرحله مدلسازی ساختاری تفسیری بر اساس شاخصه‌های ۱۷ گانه مدل فرار مالیاتی ارائه می‌شود که در صفحه بعد سطح‌بندی آنها با استفاده از مدلسازی ساختاری تفسیری صورت گرفته است. لازم به ذکر است در بخش کمی که در واقع این مرحله از تحقیق می‌باشد بر اساس فرمول کوکران ۱۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده و بنابراین تعداد ۱۷۵ پرسشنامه بین نمونه آماری توزیع شده است و نتایج حاصل بر اساس این تعداد پرسشنامه توزیع شده می‌باشد.



شکل ۳. مدلسازی ساختاری تفسیری برای شاخصه‌ها

با پیاده سازی مدلسازی ساختاری تفسیری در نرم افزار متلب ۳ سطح تشکیل می‌شود که سطح اول شامل بیشترین شاخصه‌ها است به عبارت دیگر شاخصه‌های بسیاری در سطح اول قرار گرفته و در سطح دوم ۴ شاخصه اعطای اختیارات، فرهنگ سازی، ایجاد انگیزه در دولت و اعتماد سازی در مردم وجود دارد و در سطح اول که بالاترین سطح است تحقق عدالت، اصلاحات اقتصادی جامع و مقابله با فساد دیده می‌شود بنابراین می‌توان گفت سطح اول دارای بیشترین اهمیت و موثرترین عوامل می‌باشد و پس از آن سطح دوم با اولویت کمتر نسبت به سطح اول قرار دارد. در سطح سوم کم اهمیت ترین شاخصه‌ها قرار دارند. به منظور تعیین روابط بین شاخصه‌ها با استفاده از روش میک مک تعیین می‌شود که کدام عوامل دارای بیشترین نفوذ و کدامیک دارای بیشترین وابستگی می‌باشند

جدول ۴. تحلیل میک مک شاخصه‌ها

ردیف	شاخصه	نماد	وابستگی	نفوذ
1	آموزش نیروی انسانی	R1	1	1
2	تامین مالی نیروها	R2	1	1
3	رویکرد سیستمی	R3	1	1
4	مسدود سازی روزه ها	R4	1	1
5	اعطای اختیارات	R5	1	2
6	ایجاد انگیزه در دولت	R6	1	2
7	تحقق عدالت	R7	1	6
8	رویکرد تنبیهی	R8	1	1
9	رویکرد تشویقی	R9	1	1
10	فرهنگسازی	R10	4	2
11	اعتماد سازی در مردم	R11	1	2
12	رویکرد تحریکی	R12	4	1
13	کاهش پیچیدگی	R13	4	1
14	مقابله با فساد	R14	1	5
15	تعدیلات قانونی	R15	4	1
16	اصلاحات اقتصادی جامع	R16	1	5
17	بهبود عملکرد	R17	6	1

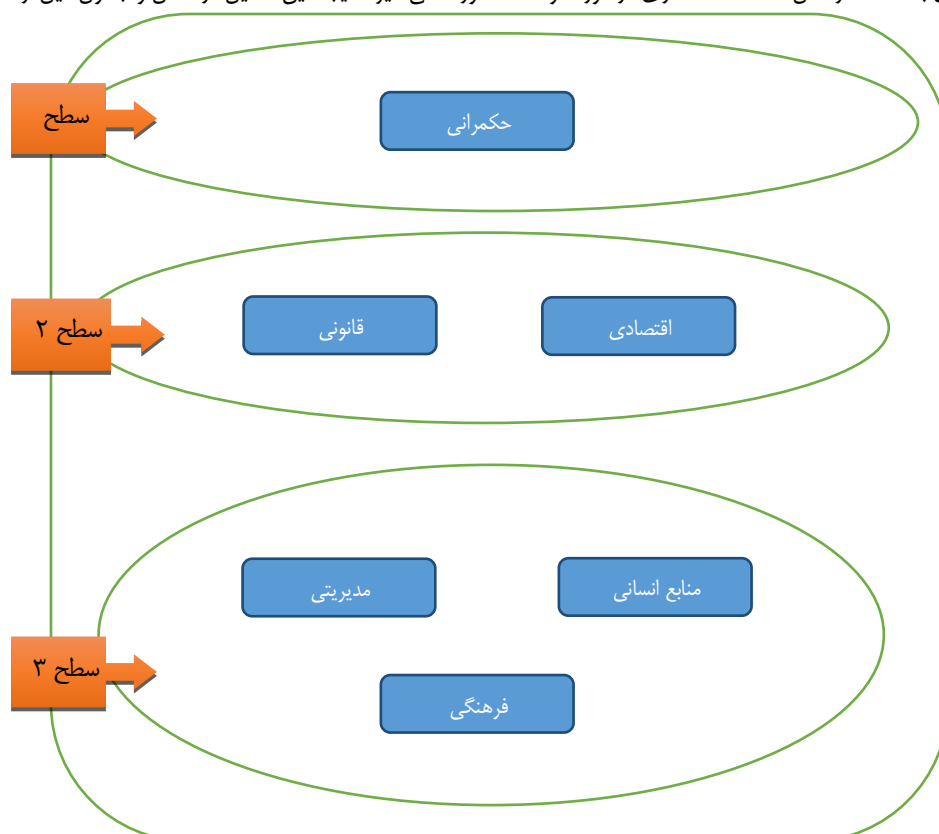
بر اساس جدول فوق می‌توان مشاهده کرد که کدام شاخصه‌ها دارای بیشترین وابستگی و کدامیک دارای بیشترین نفوذ می‌باشد برای مثال بهبود عملکرد به ۶ شاخصه دیگر وابسته است که در جدول بعدی این شاخصه‌ها معرفی می‌شود در حالیکه بر ۱ شاخصه نفوذ دارد یا اصلاحات اقتصادی جامع بر ۵ شاخصه نفوذ دارد در حالیکه وابسته به یک شاخصه است. هر چه تعداد وابستگی‌های یک شاخصه بیشتر باشد این امر نشانگر اثرپذیری بیشتر و هر چه میزان نفوذ آن بیشتر باشد نشانگر اثرگذاری بیشتر است

جدول ۵. تعیین شاخصه‌های اثرپذیر و اثرگذار

شاخصه‌ها	وابستگی	نفوذ
R1	R7	R3
R2	R4	R8
R3	R5	R1
R4	R9	R6
R5	R11	R14-R16
R6	R8	R1-R4
R7	R14	R3-R5-R6-R10-R11-R13

شاخصه ها	وابستگی	نفوذ
R8	R6	R5
R9	R2	R12
R10	R3-R6-R8-R13	R3-R8
R11	R10-R15	R1-R9
R12	R6-R9-R11-R13	R4
R13	R4-R3-R10-R14	R21
R14	R3	R4-R8-R9-R12-R14
R15	R2-R4-R6-R10	R12
R16	R3	R5-R9-R2-R12-R13
R17	R13-R12-R10-R9-R8-R7	R1

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود ان دسته از شاخصه هایی که تحت وابستگی بوده و ان دسته شاخصه هایی که تحت نفوذ می باشند معرفی گردیده اند. بنابراین با نگاه به جدول فوق میتوان دریافت هر شاخصه به کدام شاخصه ها وابسته و بر کدام شاخصه ها نفوذ دارد. در ادامه سطح‌بندی با استفاده از مدل معادلات ساختاری در مورد مولفه ها صورت می گیرد نتیجه این تحلیل در شکل و جداول ذیل ارائه گردیده است.



شکل ۴. مدلسازی ساختاری تفسیری برای مولفه ها

همانگونه که مشاهده می‌شود مدلسازی ساختاری تفسیری برای مولفه ها ارائه شده است مولفه ها نیز بر اساس مدلسازی ساختاری تفسیری به سه دسته تقسیم بندی شده است در سطح پائین منابع انسانی مدیریتی، و فرهنگی قرار دارند که دارای اهمیت کمتری نسبت به سایر مولفه ها می باشند در سطح میانی مولفه های قانونی و اقتصادی قرار دارند و در سطح فوقانی مهمترین مولفه یعنی حکمرانی قرار دارد. بنابراین می توان درک کرد که مولفه

حکمرانی مهمترین مولفه بوده و پس از آن مولفه های قانونی و اقتصادی بیشترین اثرگذاری را دارند و در انتها مولفه های منابع انسانی، مدیریتی و فرهنگی وجود دارند برای تبیین بهتر نتایج تحلیل میک مک مولفه ها ارائه می‌شود.

جدول ۶. تحلیل میک مک مولفه‌ها

ردیف	مولفه	نماد	وابستگی	نفوذ
1	منابع انسانی	R1	2	1
2	مدیریتی	R2	2	1
3	حاکمیتی	R3	1	5
4	فرهنگی	R4	4	1
5	قانونی	R5	2	2
6	اقتصادی	R6	2	2

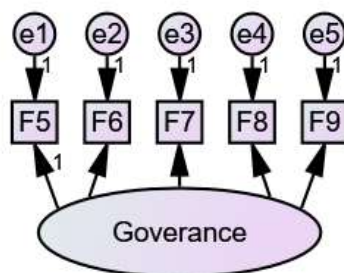
بر اساس جدول فوق می توان مشاهده کرد که هر مولفه دارای چه میزان وابستگی و چه میزان اثرگذاری یا نفوذ می‌باشد مولفه اقتصادی دارای تعداد برابری از وابستگی و نفوذ است در حالیکه مولفه حکمرانی دارای بیشترین نفوذ و ۱ وابستگی است و دلیل این امر آن است که این مولفه در بالاترین سطح قرار دارد.

جدول ۷. تعیین مولفه‌های اثرپذیر و اثرگذار

مولفه ها	وابستگی	نفوذ
R1	R7-R3	R4
R2	R5-R7	R1
R3	R4	R1-R2- R5-R6-R3
R4	R2-R1-R3-R5	R6
R5	R2-R3	R4-R6
R6	R5-R3	R1-R4

بر اساس جدول فوق مشخص شده که هر مولفه بر کدام مولفه دیگر نفوذ و بر کدام مولفه های دیگر وابستگی دارد که مشابه با شاخصه ها با استفاده از تحلیل میک مک این وابستگی و نفوذ تعیین شده است

پس از انجام مدلسازی ساختاری تفسیری در ادامه به اعتبار سنجی مدل پرداخته می‌شود. با استفاده از تحلیل آماری به صورت کمی تعیین می‌شود که در سطح اطمینان مشخصی آیا می توان اعتبار گویه ها و نتایج بدست آمده در بخش کیفی را تأیید نمود یا خیر این کار با استفاده از مدل معادلات ساختاری و مشخصا تحلیل بار عاملی صورت گرفته است. نتایج در نمودارها و جداول ذیل ارائه شده است



شکل ۵. مدل معادلات ساختاری برای حکمرانی

در شکل فوق مدل معادلات ساختاری برای حکمرانی با استفاده از نرم افزار آموس طراحی شده است. در جداول ذیل به ترتیب ضرائب غیر استاندارد رگرسیون و ضرائب استاندارد ارائه شده است که البته مبنا سطح معنی داری در ضرائب استاندارد است.

جدول ۸. ضرائب غیر استاندارد مدل حکمرانی

متغیرها	برآورد	خطای استاندارد	سطح معنی داری
اعطای اختیارات	1.000		
ایجاد انگیزه در دولت	.851	.388	.028

متغیرها	برآورد	خطای استاندارد	سطح معنی داری
تحقق عدالت	1.622	.489	***
رویکرد تنبیهی	.793	.335	.018
رویکرد تشویقی	1.385	.484	.004

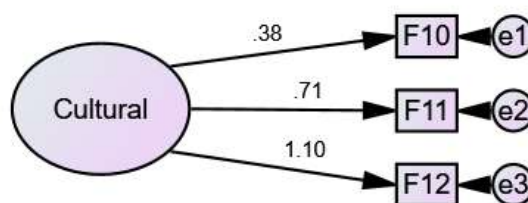
جدول ۹. ضرائب رگرسیون مدل حکمرانی

متغیرها	ضریب رگرسیون
اعطای اختیارات	.604
ایجاد انگیزه در دولت	.617
تحقق عدالت	.940
رویکرد تنبیهی	.572
رویکرد تشویقی	.815

جدول ۱۰. ضرائب استاندارد مدل حکمرانی

متغیرها	آمار تی	خطای استاندارد	سطح معنی داری
اعطای اختیارات	2.621	.269	***
ایجاد انگیزه در دولت	3.069	.248	***
تحقق عدالت	3.069	.272	***
رویکرد تنبیهی	2.966	.230	***
رویکرد تشویقی	3.069	.276	***

بر اساس جداول فوق می‌توان دریافت که سطح معنی داری برای تمامی عوامل نزدیک به صفر و کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توان زیر مدل حکمرانی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار داد.



شکل ۶. مدل معادلات ساختاری مولفه‌های فرهنگی

جدول ۱۱. ضرائب غیر استاندارد مدل فرهنگی

متغیرها	آماره	خطای استاندارد	سطح معنی داری
فرهنگسازی	1.000		
اعتماد سازی در مردم	1.961	.896	.029
رویکرد تحریکی	2.933	1.892	.121

جدول ۱۲. ضرائب رگرسیون مدل فرهنگی

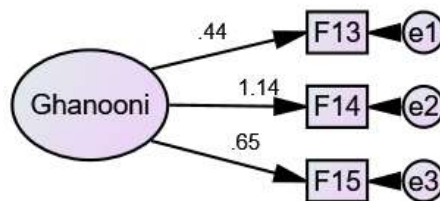
متغیرها	ضریب رگرسیون
فرهنگسازی	.375
اعتماد سازی در مردم	.713
رویکرد تحریکی	.87

جدول ۱۳. ضرائب استاندارد مدل فرهنگی

متغیرها	آماره تی	خطای استاندارد	سطح معنی داری
فرهنگسازی	3.310	.263	***

متغیرها	آماره تی	خطای استاندارد	سطح معنی داری
اعتماد سازی در مردم	3.276	.271	***
رویکرد تحریکی	3.310	.263	***

بر اساس نتایج حاصل از مدل فرهنگی می‌توان مشاهده کرد که تمامی عوامل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می‌باشند و سطح معنی داری نزدیک به صفر و کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد لذا می‌توان اعتبار مدل فرهنگی را نیز مورد تأیید قرار داد.



شکل ۷. مدل معادلات ساختاری مولفه های قانونی

جدول ۱۴. ضرایب غیر استاندارد مدل قانونی

متغیرها	ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
کاهش پیچیدگی	1.000	.305	
مقابله با فساد	2.187	1.274	.086
تعدیلات قانونی	1.063	.415	.011

جدول ۱۵. ضرایب رگرسیون مدل قانونی

متغیرها	ضریب رگرسیون
کاهش پیچیدگی	.439
مقابله با فساد	۰,۷۵
تعدیلات قانونی	.645

جدول ۱۶. ضرایب غیر استاندارد مدل قانونی

متغیرها	آماره تی	خطای استاندارد	P
کاهش پیچیدگی	2.862	.305	***
مقابله با فساد	3.448	.256	***
تعدیلات قانونی	2.862	.220	***

با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت تمامی زیر مولفه های مدل قانونی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده و با توجه به سطح معنی داری نزدیک به صفر می‌توان اعتبار مدل قانونی را نیز تأیید نمود.

در این بخش نیکویی برازش مدل با استفاده از روش‌های مختلف ارزیابی می‌شود به منظور ارزیابی اعتبار کل مدل از روشهای NFI و SRMR صورت می‌گیرد نتایج در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱۷. تناسب مدل با استفاده از SRMR و NFI

	Saturated Model	Estimated Model
SRMR	۷۹0.0	۷۸0.0
d_ULS	4.9	5.797
d_G	1.298	1.397
Chi-Square	2581.52	2693.245
NFI	0.671	0.657

در جدول فوق تناسب مدل با استفاده از دو معیار NFI, SRMR صورت گرفته است که نتایج حاصل نشانگر تناسب مدل از منظر این دو معیار می‌باشند معیار SRMR باید کمتر از ۰,۰۸ و مقدار NFI نیز باید کمتر از ۰,۷ باشد که این دو وضعیت در خصوص مدل حاضر محقق شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد ۶ بعد اصلی وجود دارد که می‌تواند مانع از فرار مالیاتی شود این ابعاد شامل ابعاد مدیریتی، منابع انسانی، حاکمیتی، فرهنگی، قانونی و اقتصادی می‌باشد به عبارت دیگر هر یک از این ابعاد در جای خود نقش مهمی در جلوگیری از فرار مالیاتی دارند حال آنکه در تجمیع با یکدیگر می‌توانند باعث پیشگیری از این معضل شوند به عنوان مثال عوامل حاکمیتی عواملی هستند که با حاکمیت و تصمیمات حاکمیتی مواجه می‌باشند به این صورت که حاکمیت با اعطای اختیارات، ایجاد انگیزه در دولت، تحقق عدالت، تنبیه و تشویق می‌تواند به سمت پیشگیری از فرار مالیاتی گام بردارد یا در بعد فرهنگی می‌توان مشاهده کرد که مولفه‌هایی نظیر فرهنگ‌سازی، اعتماد سازی در مورد و پیچیدگی می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از فرار مالیاتی داشته باشد از نظر منابع انسانی آموزش منابع انسانی و تامین مالی نیروها نقش مهمی ایفا می‌کند در حالیکه در بخش مدیریتی رویکرد سیستمی و مسدود سازی روزه‌ها می‌تواند مهم باشد.

در بخش مدلسازی ساختاری تفسیری که بخش کمی تحقیق را شامل می‌شد مشاهده می‌شود که تحقق عدالت، مقابله با فساد و اصلاحات اقتصادی در راس قرار داشته و در سطح دوم اعطایی اختیارات، ایجاد انگیزه در دولت، فرهنگ سازی و اعتماد سازی در دولت به چشم می‌خورد ضمن اینکه سطح سوم شامل مولفه‌های بسیاری نظیر تعدیلات قانونی، بهبود عملکرد، رویکرد تحریکی، کاهش پیچیدگی، رویکرد تنبیهی، رویکرد تشویقی، تامین مالی نیروها، آموزش نیروی انسانی، رویکرد سیستمی و مسدود سازی روزه‌ها می‌باشد.

از نظر مقایسه با تحقیقات پیشین باید اشاره شود که تحقیق حاضر با برخی تحقیقات دارای مشابهتهایی می‌باشد اما دارای نقاط قوتی نسبت به آنها نیز هست به عنوان نمونه در قیاس با تحقیق ایزدی (۱۴۰۳) این تحقیق به بررسی روشهای فرار و اجتناب مالیاتی شرکتها می‌پردازد در حالیکه تحقیق حاضر در این خصوص به ارائه مدل پرداخته است یا در خصوص تحقیق اسد پور و همکاران (۱۴۰۳) مدل سیاست‌گذاری عمومی مطلوب در سازمان امور مالیاتی کشور ارائه شده که تحقیق حاضر به آسیب‌شناسی نظام مالیاتی در خصوص فرار مالیاتی نیز می‌پردازد که نسبت به تحقیق مزبور دارای برتری می‌باشد. تحقیق محمدی و همکاران (۱۴۰۳) متمرکز بر ارائه راهکارهای بهبود پرداخت مالیاتی است که به کلی با هدف تحقیق حاضر مغایرت دارد. تحقیق صیام و همکاران (۱۴۰۲) صرفاً به بررسی عوامل موثر در فرار مالیاتی می‌پردازد که نمی‌تواند به مثابه تحقیق حاضر جامعیت موضوع فرار مالیاتی را پوشش دهد.

با توجه به سطح‌بندی صورت گرفت می‌توان گفت مولفه حکمرانی دارای بیشترین اثر در جلوگیری از فرار مالیاتی بوده و لذا باید به تقویت آن پرداخت به عبارت دیگر تمامی شاخصه‌های مولفه حکمرانی می‌بایست تقویت شود چرا که این شاخصه‌ها می‌تواند منجر به جلوگیری از فرار مالیاتی گردد مولفه‌های اقتصادی و قانونی نیز در زمره مولفه‌های مهمی می‌باشند البته به اندازه مولفه حکمرانی دارای اهمیت نمی‌باشند اما می‌بایست به تقویت آنها در خصوص جلوگیری از فرار مالیاتی پرداخته شود به عنوان مثال قوانین مالیاتی برای فرار از مالیات باید ارتقا یابد ضمن اینکه ملاحظات اقتصادی نیز در نظر گرفته شود به عبارت دیگر مولفه‌های قانونی و اقتصادی در کنار هم باید رشد یابد و به تنهایی هیچیک به نتیجه لازم نمی‌رسد به عنوان مثال بهبود شرایط اقتصادی صرفاً می‌تواند شرایط جامعه و کسب و کار را بهبود بخشد اما کسانی که ذاتاً به دنبال فرار مالیاتی می‌باشند با بهبود شرایط اقتصادی از فرار مالیاتی اجتناب نمی‌کنند و ممکن است به این امر ادامه دهند لذا ملاحظات حقوقی و قانونی می‌بایست برای آنها در نظر گرفته شود. تحقیق اتی می‌تواند اهداف ذیل را دنبال نماید

- ارائه مدل اجتناب مالیاتی در یک ناحیه یا استان خاص
- توسعه مدل جلوگیری از فرار مالیاتی حاضر
- رتبه‌بندی شاخصه‌ها با توجه به اینکه تحقیق حاضر صرفاً به سطح‌بندی آنها پرداخته است.

پیش‌بینی فرار مالیاتی با استفاده از مدل‌های یادگیری ماشین و یادگیری عمیق

منابع

- اسدپور حمزه، امیرکبیری علیرضا، ربیعی مندرجین محمدرضا. (۱۴۰۱)، طراحی و تبیین مدل مبتنی بر سیاست‌گذاری سیستمی (با تأکید بر مدل آلموند) در سازمان امور مالیاتی کشور. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۰ (۵۳): ۷-۴۴
- اسدپور، حمزه؛ امیرکبیری، علیرضا؛ ربیعی مندرجین، محمدرضا. (۱۴۰۲). ارائه مدلی سیاست‌گذاری عمومی مطلوب در سازمان امور مالیاتی کشور، مدیریت کسب و کار، ۲ (۱۵): ۴۲-۲۲.
- ایزدی لای بییدی، راضیه. (۱۴۰۳)، بررسی روش‌های فرار و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و قوانین و مقررات مربوط به آن، *پژوهشهای جدید در مدیریت و حسابداری*، ۱ (۶۴): ۳۲۷-۳۴۴.
- ترابی تقی، ترکاشوند زهرا، البرزی محمود، عسکری علی. (۱۳۹۷). اولویت‌بندی راهکارهای افزایش درآمد مالیاتی با استفاده از تکنیک دیماتل فازی. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۵ (۳۶): ۱۳۴-۱۰۷.
- ثنائی پور هادی. شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه‌ای آمیخته. *پژوهشنامه مالیات*. ۱۳۹۹؛ ۲۸ (۴۷): ۷-۳۰.

حسنوند، مهدی، یزدانی زازرانی، محمدرضا؛ گودرزی، مهناز. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۶ (۱)، ۲۴۰-۲۴۱.

حیدرزادی حسین، خدایانه مسعود، منتظر حجت امیرحسین. بررسی عوامل تعیین کننده فرار مالیاتی در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزین. *پژوهشنامه مالیات*. ۱۴۰۱؛ ۳۰ (۵۳): ۹۷-۱۲۲.

شیخ حسنی علی، فقیهی ابوالحسن، دانش فرد کرم اله. آسیب‌شناسی خط‌مشی گذاری مالیاتی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه نظام مالیات بر ارزش افزوده. *پژوهشنامه مالیات*. ۱۳۹۷؛ ۲۶ (۳۸): ۱۳۱-۱۶۵.

صیام، هدی؛ امین رشتی، نارسیس، محرابیان، آزاده؛ سیفی پور، رویا. (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت‌مالیات‌ده با استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی. *اقتصاد کاربردی*، ۱۳ (۴۴)، ۳۵-۱۹.

قاسمی محمد؛ عابدی صادق؛ محتشمی علی (۱۴۰۲). ارائه مدلی پیش بینی فرار مالیاتی اصناف مبتنی بر تکنیک داده کاوی. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۰ (۵۶): ۷-۳۰.

کم گو، سمانه؛ سمیعی، امید. (۱۴۰۱). مروری بر تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۲: ۳۴۰-۳۵۷.

محمدی، مائده؛ قاراخانی، ساسان؛ صامتی، مجید؛ امیری، هادی. (۱۴۰۲). شبیه‌سازی راهکارهای بهبود پرداخت‌های مالیاتی و کاهش رفتار فرار مالیاتی در چارچوب مدل‌های عامل محور. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۵۸ (۴): ۶۹۴-۶۶۳.

هاشمی مه‌سیم، اعتمادی حسین، رضازاده جواد. مدل‌سازی پدیده فرار مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از نظریه بازی‌ها. *پژوهشنامه مالیات*. ۱۴۰۱؛ ۳۰ (۵۵): ۷-۵۱.

Adekoya, A. A., Oyebamiji, T. A., & Lawal, A. B. (2020). Forensic accounting, tax fraud and tax evasion in Nigeria—Review of literatures and matter for policy consideration. *International Journal of Emerging Trends in Social Sciences*, 9 (1), 21-28.

Aghaei, S., Banitalebi Dehkordi, B., & Jafari Dehkordi, H. R. (2023). Presenting a model to prevent tax evasion, from the perspective of the employees of the country's tax affairs organization. *International Journal of Nonlinear Analysis and Applications*.

Alstadsæter, A., Johannesen, N., Herry, S. L. G., & Zucman, G. (2022). Tax evasion and tax avoidance. *Journal of Public Economics*, 206, 104587.

Bourton, S. (2021). A Critical and Comparative Analysis of the Prevention of Tax Evasion through the Application of Law and Enforcement Policies in the United Kingdom and United States of America (Doctoral dissertation, University of the West of England).

Dell'Anno, R. (2023). Measuring the unobservable: estimating informal economy by a structural equation modeling approach. *International Tax and Public Finance*, 30 (1), 247-277.

Dularif, M., Sutrisno, T., & Saraswati, E. (2019). Is deterrence approach effective in combating tax evasion? A meta-analysis. *Problems and Perspectives in Management*, 17 (2), 93-113.

Hossain, M. S., Ali, M. S., Ling, C. C., & Fung, C. Y. (2024). Tax avoidance and tax evasion: current insights and future research directions from an emerging economy. *Asian Journal of Accounting Research*.

Kanagaretnam, K., Lee, J., Lim, C. Y., & Lobo, G. J. (2024). Institutions and Corporate Tax Evasion: A Review of the Literature and a Methodological Approach. *Journal of International Accounting Research*, 23 (1), 115-137.

Khaltar, O. (2024). Tax evasion and governance quality: The moderating role of adopting open government. *International Review of Administrative Sciences*, 90 (1), 276-294.

Onyeka, V. N., & Nwankwo, C. (2016). The effect of tax evasion and avoidance on Nigeria's economic growth. *European Journal of Business and Management*, 8 (24), 158-166.

Saxunova, D., & Szarkova, R. (2018). Global efforts of tax authorities and tax evasion challenge. *Journal of Eastern Europe Research in Business and Economics*, 2018, 1-14.

Saxunova, D., & Szarkova, R. (2018). Global efforts of tax authorities and tax evasion challenge. *Journal of Eastern Europe Research in Business and Economics*, 2018, 1-14.

- Turaev, D. (2023). The Ways to Prevent Intentional Tax Evasion. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 10 (11), 87-91.
- Turaev, D. (2023). The Ways to Prevent Intentional Tax Evasion. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 10 (11), 87-91.
- van Brederode, R. F. (2020). Countermeasures to tax fraud, evasion and avoidance: A critical review. *Ethics and Taxation*, 323-358.

نحوه استناد به مقاله:

غلامی‌ماملو، زهرا؛ مرجانی، امیربابک؛ یاراحمدی، مرتضی. (۱۴۰۴). ارائه مدلی برای جلوگیری از فرار مالیاتی و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام مالیاتی کشور. *توانمندسازی سرمایه انسانی*. ۸ (۳). ۲۸۹-۳۲۲.

<https://sanad.iau.ir/Journal/jhce/Article/1216568>